

TRIBUN 6, Q1 ی ۲۰۰۱

KOD: TR647

تریبون ۶ ۲۰۰۱

پسوندی بر اقتصاد آذربایجان

یعقوب تقوی

نزدیک به ۲۱ سال از بدو شروع انقلاب می‌گذرد. در این مدت پنج دوره چهارساله نمایندگانی که من دوست دارم آنها را وکیل مردم بنامم به مجلس شورا اعزام داشته‌ایم. مردم می‌گویند: فردی را چند دوره متوالی به مجلس اعزام داشتیم که هیچوقت لب به سخن گفتن باز نکرد ولی یکبار که دهن برای سخن گفتن باز نمود، به مستخدمین مجلس فرموده بود: «لطفاً پنجره را باز کن چون هوا گرم است!!».

آنهایی که تا دیروز می‌گفتند: انقلاب ما برای شکم نبود، اینک غلیظ‌تر از مارکسیست‌ها، اطلاعیه‌های شکم‌نامه‌ای صادر می‌کنند و در سخنرانی‌هایشان «کار، مسکن، شکم» را مکرراً تکرار می‌فرمایند. درست است که مردم و کشور به کار و تلاش شدیداً نیاز دارند و اگر ممالکی در ردیف کشورهای پیشرفته درآمده‌اند فقط و فقط در سایه کار و تلاش و برنامه‌ریزی بوده است؛ لیکن حرف اینجاست آقایان که ۲۰ سال تمام در میکروفون‌ها و بلندگوها فریاد برآورده‌اند که «مردم ما برای شکم انقلاب نکرده‌اند» اکنون چگونه ۱۸۰ درجه تغییر جهت داده‌اند؟؟ آنهایی که اقتصاد را جزو علوم قلمداد نمی‌کردند، چگونه امروز متخصصان اقتصادی از آب درآمده‌اند؟؟

آقای اعلی نماینده تبریز طی مصاحبه‌ای با روزنامه بیان مورخ ۷۹/۳/۲۸ در خصوص علل ناکارآمدی نظام اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران در جواب خبرنگار که می‌پرسد: شما چه راههایی را برای تدوین یک نظام کارآمد اقتصادی در جمهوری اسلامی پیشنهاد می‌دهید؟ می‌گوید:

«... از دید مذهب حاکم و مستفاد از قانون اساسی انسان مطلوب جمهوری اسلامی که روابط و مناسبات مندرج در قانون اساسی سازگاری دارد انسانی است که قرآن از آن به عنوان خلیفه در روی زمین نام می‌برد. پس باید چنین انسانهایی را تربیت کرد. چنین انسانی از ظلم و تعدی، معاملات باطل و حرام، رباخواری، تجاوز به حقوق دیگران، بهره‌کشی، اسراف و تبذیر و ... اجتناب می‌ورزد و به فضایی مانند ایشار و از خود گذشتگی، قناعت و انجام کار و تلاش مفید پای بند است.»

و در جواب این سؤال که پرسیده می‌شود:

با این وصف شما عقیده دارید که الگوهای غربی اقتصاد حاوی مذهبی مغایر با مذهب و ذائقه و وجدان عمومی ماست و با پیاده کردن این الگوها، ما شاهد تغییر ذائقه‌ها و نهایتاً تربیت انسانهای به جای خلیفه در روی زمین خواهیم شد؟ می‌گویند:

«دقیقاً همینطور است. ضمناً بخشی از جامعه نیز که به مبانی فرهنگی و دینی اعتقاد دارند و در زندگی خود مقید به آن هستند در برابر این پدیده مقاومت خواهند کرد. لذا با نوعی دوگانگی یا چندگانگی فرهنگی و اقتصادی مواجه خواهیم شد که مانع از نهادینه شدن و نظام یافتن اقتصاد می‌شود و... لاجرم باید ذائقه او را ذائقه خلیفه‌الله ساخت و دین و غریزه هدایت شده را امیر فرهنگ و انسان الهی قرار داد، چرا که انسان الهی و انسان اقتصادی دارای دو جهان بینی کاملاً متفاوت است. پس کارآمدی نظام اقتصادی در گرو مهندسی این نظام براساس واقعیتهای اجتماعی و اوامر و نواهی ناشی از اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی و دینی و مهمتر از همه تربیت انسانهایی است که محور اصلی نظام جمهوری اسلامی محسوب می‌شود.»

اکنون جهت نشان دادن قسمتی از این تبعیضات ناروا به موارد زیر عنایت فرمائید:

الف: اخبار ساعت ۲۱ جمعه مورخ ۷۹/۴/۳ شبکه یک سیما: خط ۴ متروی تهران به مبلغ پانصد میلیون دلار بین دولت جمهوری اسلامی و جمهوری خلق چین منعقد گردید.

ب: اخبار هفته به تاریخ ۷۹/۴/۳ از روزنامه بیان: دولت تعهد کرد که قسمتی از بدهی‌های شرکت متروی تهران را پرداخت نماید.

ج: اعتبارات شهرداری تهران در سال جاری حدود ۳۵۰ میلیارد تومان است. البته بدون کمک‌های دولت.

د: اعتبارات شهرداری تبریز در سال جاری حدود ۳۷ میلیارد تومان است.

ه: جاده کمربندی شمال تبریز با هزینه بیش از ۲ میلیارد تومان و با هزینه شهروندان تبریزی به مدت ۶۷ سال است که در دست ساختمان است. (گفتگوی شهردار تبریز با روزنامه‌های محلی، خردادماه ۷۹)

ز: ارتشبد سابق حسین فردوست در جلد اول خاطرات خود در صفحه ۲۸۰ می‌آورد: محمدرضا شهر ۳۰۰ هزار نفری تهران را به ۶ میلیون نفر رساند و رسماً می‌گفت که طرح ۱۲ میلیونی کردن تهران را دارد، که داشت و...

قبل از اینکه وارد بحث بشویم لازم می‌دانم نظر خود را در خصوص آبادی تمام شهرهای ایران و بخصوص تهران اعلام دارم و آن اینکه: آرزویمان این است که تمام شهرها و دهات مسلمان و بخصوص تهران از هر لحاظ با عروس شهرهای دنیا یعنی پاریس برابری بکند و هر دلی که جز این خواست در خود پیروانند خدایش هدایت کند!

۱- واقعیت این است که شرکت متروی تهران که بهتر است آن را «سانترو» خطاب کنیم، تاکنون و در طول زمان عملیات اجرائی علاوه بر اعتبارات ملی سازمان برنامه و بودجه و غیره، مستقیماً در استحصال معادن در جنوب و شمال و غیره دست دارد. مثلاً معادنی را در

استانهای جنوبی به شرکت مترو داده‌اند که محصولات خود را پس از استخراج به خارج صادر و درآمد آن را صرف هزینه‌های اجرایی می‌کند.

۲- تعهد پرداخت دیون شرکت مترو تهران توسط دولت به این معنی است که تمامی هموطنان، چه در شهرهای بزرگ و کوچک و عشایر و روستائیان، چه خشکسالی‌زده‌ها و ساکنان مناطقی که بیماری و یا آنها را در این تابستان گرم و خشک تهدید می‌کند، مالیات پرداخت می‌کنند که صرف آبادانی کل کشور گردد. در صورتیکه دولت نیز به جای وصول همچون درآمدهایی، دیون شرکت متروی تهران را از محل مالیات‌های مردم کل کشور پرداخت می‌نماید. آیا اینگونه و با این شگرد می‌توان خلیفه خدا بر زمین تربیت کرد؟ آیا این تبعیض نیست؟

۳- پروژه کمربندی تبریز معبر ترانزیت کالاهای اروپایی به کل کشور و ممالک آسیای مرکزی و غیره است همان حق ترانزیتی که جمهوری اسلامی ایران برایش له‌له می‌زند، چرا هزینه اجرایی پروژه‌ای که درآمدهای ارزی و غیر ارزی ترانزیت‌اش نصیب خزانه و کل کشور می‌گردد به مردم تبریز تحمیل گردیده است؟ در صورتیکه متروی تهران که فقط و تنها مورد استفاده شهروندان تهرانی و کرجی است با بودجه دولتی ساخته می‌شود. آیا رواست که دولت از محل اعتبارات ملی کلیه هموطنان ۵۰۰ میلیون دلار جهت اجرای خط چهارم مترو را طیب خاطر پرداخت نماید و مثلاً سد رودخانه نسا در کرمان و یا دایک مخزن چهارم چاه نیمه چهارم در زابل و... که جهت رفع خشکسالی به امان چندرغاز اعتبارات سازمان برنامه و بودجه رها گردد؟ آیا نمی‌توان نتیجه گرفت که خلیفه‌های خدا فقط در تهران ساکنند؟

۴- در استانهای آذربایجان شرقی، غربی و اردبیل و زنجان و کردستان، بخش اونکولوژی (درمان سرطان) بیمارستان امام خمینی تبریز فقط و فقط یک دستگاه تابش اشعه کبالت دارد که آنهم شش ماه از سال خراب و یا بدون ماده پرتوزا بوده و تازه این دستگاه کذایی به دلیل عدم تمرکز اشعه بر موضع سرطانی تمامی بدن بیمار را بمباران تشعشی می‌نماید و تمامی تلاشهای بیش از دهساله، جهت جایگزینی دستگاه یاد شده و افزایش تعداد آن به

جایی نرسیده است. آیا اینگونه می‌توان خلیفه‌خدارا بر روی زمین تربیت کرد؟ آیا این است رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه؟ آیا این است توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین مردم؟ آیا از تعداد دستگاههای تابش‌رفسنجان و آمل خبر دارید؟

۵- واقعیت این است که علیرغم جدا ساختن استان اردبیل از آذربایجان شرقی که احتمالاً در جهت یگانگی فرهنگی!! انجام یافته، استان ما با صادرات غیر نفتی بیش از ۶۵۰ میلیون دلاری در رأس هرم ارزآوری استانهای کشور است. (اطلاعات ۷۸/۱۲/۱۳) در صورتیکه رتبه آموزش و پرورش استان در ردیف بیستم که همردیف استانهای ایلام و هرمزگان بوده (شمس تبریز ۷۹/۲/۱۳) و از نظر صنعتی و توسعه در ردیف‌های آخر رده‌بندی استانهاست. آیا اینگونه می‌توان کرامت انسانی را پاس داشت؟ آیا اینگونه می‌توان خلیفه‌الله را بر روی زمین تربیت کرد؟ آیا اینها تبعیضات ناروا نیست؟ چگونه می‌توان به ایجاد امکانات عادلانه برای همه در تمام زمینه‌های مادی و معنوی رسید؟

۶- شاید به نویسندۀ این ایراد گرفته شود که دولت بزرگترین خط انتقال آب شیرین خاورمیانه را از رودخانه «جیغاتو» به تبریز با مبلغ حدود ۱۵۰ میلیارد تومان از محل اعتبارات ملی انجام داده است و کدام شهر دیگری به این اندازه سرمایه‌گذاری شده است؟ چرا موقعیکه برای شما نمک‌شناسها!! سرمایه‌گذاری می‌شد هوس توسعه برابر و... را نمی‌کردید؟ وقتیکه جناب رئیس جمهور خاتمی در زمستان ۷۸ آنرا افتتاح فرمودند، شما کجا تشریف داشتید؟

سؤال بسیار بجایی است و اما لازم است که به موارد زیر در این مورد توجه شود:
الف: سرمایه‌گذاری نزدیک به ۱۵۰ میلیارد تومانی برای پروژه فوق‌الذکر کاملاً صحیح است!

ب: این خط لوله برای انتقال پنج (۵) مکعب آب در ثانیه و برای فاز اول طراحی و اجرا شده است.

ج: این خط لوله پس از افتتاح توسط رئیس محترم جمهور در زمستان ۷۸، تا عید ۷۹ لااقل پنج مورد باترکیدگی خط لوله آنهم بادبی یک متر مکعب در ثانیه مواجه شده است! به قرار مسموع اگر آب انتقالی به مقدار ظرفیت طراحی یعنی پنج متر مکعب در ثانیه افزایش یابد به احتمال زیاد ترکیدگی های خط انتقال با تصاعد هندسی افزایش خواهد یافت.

د: امتیاز مقدار آب ورودی فعلی در همان ابتدای ورود به شهر به پتروشیمی و پالایشگاه و غیره فروخته شده است و گفته می شود غالب آب مصرفی شرب اهالی کماکان از همان چاههای قدیمی و منابع اولیه تأمین می شود. و مردم ما می گویند که اگر قرار است ۱۵۰ میلیارد هزینه بکنید و آب را از ۱۶۰ کیلومتری بیاورید و آن را تحویل پتروشیمی و غیره بدهید و محصولات پتروشیمی را به جمهوری خلق چین بفروشید و دلارهایش را نصیب متروی تهران بفرمائید و پستهای مهندسی آنرا بقول یکی از نمایندگان سابق نصیب اصفهانی ها بفرمائید و آبدارچی گری را بهمراه منت عظیم «آب گوارا» نصیب مردم تبریز بفرمائید و در اینصورت نباید دنبال خلیفه الله پرتقال فروش بگردیم؟! مضافاً آب تبریز شدیداً موی سر مردم را می ریزد. چگونه می توان آثار مقایسه ای بین کچل های تبریز و مثلاً تهران و یا اصفهان را بدست آورد؟

۷- اگر طبق گفته ارتشبد سابق حسین فردوست، هم رژیم پهلوی در مدت بیش از پنجاه سال غالب درآمد نفتی و غیر نفتی را صرف عمران تهران بنماید و در جمهوری اسلامی نیز علاوه بر ارز حاصله از درآمد ملی، از مالیات های کل کشور و از جمله مالیات خشکسالی زده ها و یا ساکنان مناطقی همچون خارواناو... که حتی پول خرید جل الغشان را نیز ندارند، پرداخت شود، چگونه می توان عدالت را تعریف کرد؟ رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه را چطور؟

۸- آیا دلیلی دارد که بدرخواست استمداد وام بانکی توسط شهردار سابق از ریاست محترم جمهوری برای پروژه کمربندی شمالی شهر تبریز تره هم خرد نفرمایند؟ آیا می توان رفع تبعیض را انتظار داشت؟ در حالیکه کمربندی شمالی شهر تبریز در اختیار مسیر ترانزیت

کالاهای اروپا به آسیا قرارداد، آیا این امر بیانگر آن نیست که تمام خلیفه‌الله‌ها در تهران جا خوش کرده‌اند؟

۹- معیشت مردم آذربایجان حداقل به میزان ۶۰-۵۰ درصد به جهت تأمین تبعیض‌ها عدم اعتبار دهی بانکها و... از طریق نزولخواری و نزولگیری رتق و فتق می‌شود، چه دلایلی در تغییر ذائقه و تربیت انسانهای اقتصادی بجای خلیفه خدا در روی زمین دخالت دارند؟ چگونه می‌توان اعداد و ارقامی درخصوص فرار سرمایه و نیروی متخصص از آذربایجان بدست آورد؟ همان آذربایجان شرقی که که در امر آموزش و پرورش در بین ۲۶-۲۷ استان در ردیف بیستم ایستاده و علیرغم آنکه اولین استان تولیدکننده ارز غیر نفتی است؛ چگونه می‌توان موارد گفته شده را تبعیض قلمداد نکرد؟